



عکس: ایران

یارانه‌ها و تحریم‌ها برخوردار سیاسی شد و در نهایت نیز حکم سیاسی صادر شد. فکر می‌کنم حتی کسانی که این رفتارها را کردند منتظر شدند. ضمن اینکه در همان برهه، در دولت کارهای جدی چون توسعه کشاورزی و توسعه معدن شروع شد که گفتم طرح توسعه کشاورزی به نتیجه هم رسید.

● اجازه بدهید مجدداً وارد بحث ارز شویم. به نظر شما واژه‌ای به نام «مافیای ارزی» در ادبیات علم اقتصاد وجود دارد و در آن برهه، مافیای ارز در اقتصاد ایران وجود داشت؟

بالاخره یک مقام سیاسی از واژگانی استفاده می‌کند که یک مقام اقتصادی حتی با موقعیت سیاسی از آن استفاده نمی‌کند. اینکه شما فکر کنید در یک جنگ اقتصادی به سر می‌برید و عده‌ای بنا به منافع اقتصادی و عده‌ای دیگر بنا به منافع اقتصادی - سیاسی و خدای ناکرده حتی عده‌ای به دلیل وابستگی، در بازارهای شما اخلاص می‌کنند خیلی دور از ذهن نیست. چیزی که من می‌توانم با استفاده از ادبیات اقتصادی بگویم این است که بازار ارز و طلای ما یکی از غیرشفاف‌ترین بازارهاست و درجه تمرکز یا به بیانی وجود افرادی که در اینجا دارای قدرت بازاری هستند تماماً قابل پذیرش است. به طور مثال کسانی بودند که به فکر خروج حجم قابل توجهی طلا از کشور بودند. حالا، اسم این کار را هر چه می‌خواهید بگذارید.

● یعنی واقعاً این اتفاق افتاده است؟

بله. اتفاق افتاده است. گزارش و عکس مصنوعات فوق را نهادهای نظارتی به ستاد ارائه می‌کردند. به هر حال مدیریت بازار طلا خیلی ساده‌تر از مدیریت بازار ارز است. البته اگر جلوی این کارها را نمی‌گرفتیم بازار طلا نیز قابل کنترل

نبود. آن طرف قضیه، بر فروش سکه‌های بانک مرکزی مالیات بر ارزش افزوده وضع کردیم، یعنی قیمت سکه بانک مرکزی برابر یا بیشتر از قیمت بازار شد. وقتی این اتفاق افتاد دیگر دلیلی برای سفته‌بازی یعنی خرید و عرضه مجدد سکه‌های بانک مرکزی وجود نداشت. اما در بحث ارز موضوع به این سادگی‌ها نیست.

● شائبه و شایعه‌های درباره نحوه تعیین قیمت دلار و طلا در آن برهه در جامعه توزیع شده بود یا این عنوان که گفته می‌شد قیمت دلار در دومی تعیین می‌شود. اصلاً چنین چیزی امکان داشت؟

ببینید این حرف قابل پذیرش است منتها نه به این معنی که شما فکر کنید مدیریت ارزی کشور ضعیف است یا قاچاقچیانی در بازار اخلاص می‌کنند. برای درک این موضوع، باید اشراف فنی و اطلاعات کافی داشت. من در جلسه‌های قبل در مورد نقش دومی در تجارت کشورمان صحبت کردم و اینکه به دلیل حضور تجار ایرانی و دفاتر تجاری ایرانی‌ها در دومی، در نتیجه تقاضای بالای درهم و رابطه بین ریال، درهم و دلار، مبادلات ارزی در دومی در اقتصاد ما تأثیرگذار است.

رابطه‌ای که بین این سه وجود داشت باعث می‌شد عده‌ای چنین حرفی را بزنند. این ابهام از آنجا ایجاد می‌شود که عده‌ای فکر می‌کنند بازار ارز یک بازار در جغرافیای داخلی است. یا یک بازار جغرافیایی دارای سیم خاردار در چهارراه استانبول است در حالی که این طور نیست. واقعیت چیز دیگری است. به هر حال ارزش درهم به ارزش دلار وصل یا به اصطلاح پگ است. وقتی عرضه درهم در امارات کم می‌شد و ارزش درهم در مقابل ریال ایران بالا می‌رفت، چون درهم به دلار پگ بود، طبعاً ارزش دلار در مقابل ریال هم بالا می‌رفت.

● یادم هست در زمان اوج نوسان ارزی درباره باند فساد ارزی در خارج از کشور صحبت‌هایی می‌شد. شما در مورد این باند، چیزی شنیده‌اید؟ آقای بهمنی یک بار گفت: «در مقطعی چنین بانندی در خارج از کشور فعالیت می‌کرده که دستگیر شده است.»

من به این صراحت چیزی یاد نمی‌کنم. ولی شنیده بودم یکی از کارهایی که برخی از شرکت‌های خصوصی انجام می‌دادند این بود که ارز تجار ما را در بیرون از کشور می‌خریدند و به برخی از تجار دیگر می‌فروختند، یعنی به نوعی کار بانک مرکزی و بانک‌های تجاری ما را انجام می‌دادند.

● محمدرضا رحیمی معاون اول احمدی‌نژاد یک بار گفت، فردی به نام «جمشید بسم‌الله» در تعیین قیمت و نوسان ارز نقش زیادی داشته و اسم او را برد. فردی را که رحیمی از او نام برده چه قدر می‌شناسید؟

این آقا را نمی‌شناختم. البته سال ۹۲ مصاحبه‌ای از وی خواندم که به نظر می‌رسد او نیز یکی از افرادی بود که در بازار ارز معامله می‌کرده، اما اینکه چقدر مؤثر بوده است، من اطلاعی ندارم.

● نقش مسائلی از قبیل اظهارات نمایندگان مجلس را در التهابات ارزی چقدر مؤثر می‌دانید. یک بار آقای بهمنی گفته بود: برخی از اقدامات مجلسی‌ها مثل طرح تحقیق و تفحص از بانک مرکزی قیمت دلار را ۵۰۰ تومان بالا برد.

دلار بی‌تأثیر نبود.

به هر حال خود تحریم‌ها یک عامل سیاسی بود. یکی از دلایلی که

ما حاضر نبودیم در باب تحریم‌ها بزرگنمایی کنیم و حتی برخی مواقع خوشبینانه نیز حرف می‌زدیم این بود که می‌دانستیم قصد طرف مقابل عملیات روانی است.

● شنیده می‌شد برخی از بانک‌ها دلار دولتی را گرفته و در بازار آزاد می‌فروختند. حتی قرار بود گزارشی از تخلفات بانک‌ها منتشر شود اما هیچ‌گاه این اتفاق رخ نداد. مثل اینکه بانک‌ها جلوی انتشار این گزارش جنجالی را گرفتند و بالاخره مشخص نشد، کدام بانک در بحران ارزی، چه میزان تخلف کرده و چه قدر دلار دولتی گرفته و در بازار آزاد فروخته است. جناب‌عالی نقش بانک‌ها را در التهابات ارزی چه میزان مؤثر می‌دانید؟

بازار طلا و ارز ایران یکی از غیرشفاف‌ترین بازارهاست. در این بازار غیرشفاف هر گروهی می‌تواند گروه دیگری را متهم کند و گزارش‌گیری و نظارت بر این بازار بسیار کار مشکلی است. اینکه شما از من بپرسید آیا در آن مقطع تخلفاتی از سوی بانک‌ها وجود داشته یا نه؟ من صراحتاً می‌گویم: «آری، احتمال آن وجود داشته است.» اما یکی از آسیب‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد این بود که نقش صرافی‌ها در مقطعی که به سمت جایگزینی بانک‌ها می‌رفتند افزایش یافته بود. البته بعدها تلاش شد که سهم و نقش صرافی‌ها، به حد نقل و انتقال کاهش پیدا کند. یعنی گفته می‌شد در مقطعی خود صرافی‌ها به دنبال این بودند مستقیماً با بانک مرکزی کار کنند.

از آنجا که سیستم بانکی تحریم شده بود، روبه بانکی و تجارت خارجی از طریق ال سی کمتر شده بود و صرافی‌ها از طریق حواله، رونق و سهولت کاری بیشتری پیدا کرده بودند. من فکر می‌کنم یکی از تجربیاتی که به دست آمد این بود که گرچه باید از ظرفیت صرافی‌ها برای نقل و انتقال پول استفاده کرد ولی صرافی‌ها هرگز نباید جایگزین سیستم بانکی شوند. چرا که مستقیم در بدترین شرایط کارکرد، سیستم بانکی از کارکرد صرافی‌ها شفاف‌تر است. البته این بدین معنا نیست که بانک‌ها هیچ تخلفی نداشتند.

بلکه می‌شد مواردی را یافت که بانک‌ها نیز تخلف می‌کردند یا حداقل با اولویت‌های تعیین شده کار نمی‌کردند. اگر بخواهم صریح پاسخ شما را بدهم در آن شرایط تخلف بانک‌ها متصور بود، اما در عین حال به نظر من اگر قرار باشد در شرایط تحریم کار شود، همچنان بهتر است بانک مرکزی فقط با سیستم بانکی کار کند و اگر قرار است نقل و انتقال صرافی‌ها در این قسمت با بانک‌های تجاری کار کنند.

● در مقطعی قیمت سکه و طلا روند افزایشی به خود گرفت و حتی به بالای یک میلیون تومان رسید. دولت تصمیم گرفت برای مقابله با نوسان بازار، طرحی به نام پیش فروش سکه را آغاز کند. شما با پیش‌فروش سکه توسط بانک مرکزی موافق بودید؟ من شنیدم عده‌ای در دولت، نسبت به تبعات منفی اجرای آن، به رئیس دولت هشدار داده بودند.

دلیل افزایش قیمت طلا و سکه روشن است. اما از آنجا که این افزایش همزمان با تحریم‌ها اتفاق می‌افتاد بیشتر به چشم آمد. قیمت طلا در داخل کشور متأثر از دو عامل عمده قیمت طلا در بازارهای جهانی و قیمت دلار (یا نرخ ارز) است. از آنجا که هر سکه حدود ۸ گرم و هر اونس طلا نیز ۳۲ گرم است، با توجه به قیمت جهانی طلا، ارزش طلا در هر سکه براحتی قابل محاسبه است. از طرفی چون طلا یک کالای قابل مبادله است نرخ دلار نیز در



بازار طلا و ارز ایران یکی از غیرشفاف‌ترین بازارهاست. در این بازار غیرشفاف هر گروهی می‌تواند گروه دیگری را متهم کند و گزارش‌گیری و نظارت بر این بازار بسیار کار مشکلی است.

اینکه شما از من بپرسید آیا در آن مقطع تخلفاتی از سوی بانک‌ها وجود داشته یا نه؟ من صراحتاً می‌گویم: «آری، احتمال آن وجود داشته است.» اما یکی از آسیب‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد این بود که نقش صرافی‌ها در مقطعی که به سمت جایگزینی بانک‌ها می‌رفتند افزایش یافته بود. البته بعدها تلاش شد که سهم و نقش صرافی‌ها، به حد نقل و انتقال کاهش پیدا کند. یعنی گفته می‌شد در مقطعی خود صرافی‌ها به دنبال این بودند تا مستقیماً با بانک مرکزی کار کنند.

از آنجا که سیستم بانکی تحریم شده بود، روبه بانکی و تجارت خارجی از طریق ال سی کمتر شده بود و صرافی‌ها از طریق حواله، رونق و سهولت کاری بیشتری پیدا کرده بودند. من فکر می‌کنم یکی از تجربیاتی که به دست آمد این بود که گرچه باید از ظرفیت صرافی‌ها برای نقل و انتقال پول استفاده کرد ولی صرافی‌ها هرگز نباید جایگزین سیستم بانکی شوند. چرا که مستقیم در بدترین شرایط کارکرد، سیستم بانکی از کارکرد صرافی‌ها شفاف‌تر است. البته این بدین معنا نیست که بانک‌ها هیچ تخلفی نداشتند.

بلکه می‌شد مواردی را یافت که بانک‌ها نیز تخلف می‌کردند یا حداقل با اولویت‌های تعیین شده کار نمی‌کردند. اگر بخواهم صریح پاسخ شما را بدهم در آن شرایط تخلف بانک‌ها متصور بود، اما در عین حال به نظر من اگر قرار باشد در شرایط تحریم کار شود، همچنان بهتر است بانک مرکزی فقط با سیستم بانکی کار کند و اگر قرار است نقل و انتقال صرافی‌ها در این قسمت با بانک‌های تجاری کار کنند.

● در مقطعی قیمت سکه و طلا روند افزایشی به خود گرفت و حتی به بالای یک میلیون تومان رسید. دولت تصمیم گرفت برای مقابله با نوسان بازار، طرحی به نام پیش فروش سکه را آغاز کند. شما با پیش‌فروش سکه توسط بانک مرکزی موافق بودید؟ من شنیدم عده‌ای در دولت، نسبت به تبعات منفی اجرای آن، به رئیس دولت هشدار داده بودند.

دلیل افزایش قیمت طلا و سکه روشن است. اما از آنجا که این افزایش همزمان با تحریم‌ها اتفاق می‌افتاد بیشتر به چشم آمد. قیمت طلا در داخل کشور متأثر از دو عامل عمده قیمت طلا در بازارهای جهانی و قیمت دلار (یا نرخ ارز) است. از آنجا که هر سکه حدود ۸ گرم و هر اونس طلا نیز ۳۲ گرم است، با توجه به قیمت جهانی طلا، ارزش طلا در هر سکه براحتی قابل محاسبه است. از طرفی چون طلا یک کالای قابل مبادله است نرخ دلار نیز در



## تأثیر مبادلات ارز دومی در بازار ایران

ببینید این حرف قابل پذیرش است منتها نه به این معنی که شما فکر کنید مدیریت ارزی کشور ضعیف است یا قاچاقچیانی در بازار اخلاص می‌کنند. برای درک این موضوع، باید اشراف فنی و اطلاعات کافی داشت. من در جلسه‌های قبل در مورد نقش دومی در تجارت کشورمان صحبت کردم و اینکه به دلیل حضور تجار ایرانی و دفاتر تجاری ایرانی‌ها در دومی، در نتیجه تقاضای بالای درهم و رابطه بین ریال، درهم و دلار، مبادلات ارزی در دومی در اقتصاد ما تأثیرگذار است.

کشف این نوع انگیزه‌ها، نه تخصص و نه ابزاری دارم. اما با یک نگاه خوشبینانه به ماجرا، می‌توان گفت وقتی نرخ ارز در داخل کشور و نرخ جهانی طلا در خارج از کشور در حال افزایش است، خرید طلا حداقل یک تجارت پرسود خواهد بود. گله این بود که آیا در این شرایط، نهادهای شبه عمومی یا وابسته به حاکمیت نیز باید بر اساس این سودها تصمیم‌گیری کنند. من معتقدم یکی از تفاوت‌های جنگ اقتصادی با جنگ نظامی این است که در جنگ نظامی، غیرتها و تعصب‌های ملی، به کمک نظامیان می‌آید. مثلاً استاد دانشگاه، روحانی، کارگر به کشور با اینکه نه نظامی هستند و نه مجبور، به جبهه می‌روند. سایر افراد نیز زندگی و درآمدهای خود را در راه دفاع از کشور هزینه می‌کنند، اما در جنگ اقتصادی چه بسا همان پیرزنی که در زمان جنگ نظامی از طلا و فروت خود می‌گذرد اینجا پول خودش را برای سود بیشتر تبدیل به طلا می‌کند. یعنی آن همبستگی که در جنگ نظامی وجود دارد در جنگ اقتصادی ایجاد نمی‌شود. به همین دلیل است که من می‌گویم اقتصاد مقاومتی، فرهنگ مقاومتی هم می‌خواهد.

● در اوج بحران ارزی، اسناد و گزارش‌هایی در رسانه‌های کشور منتشر شد مبنی بر اینکه، تعدادی از شرکت‌های وابسته به برخی از نهادها مانند شهرداری تهران، تعداد زیادی سکه خریداری کرده‌اند و این عامل باعث شده بود بازار سکه و دلار دچار عدم تعادل شود.

● برآورد شما از میزان دلارهای خانگی که آن زمان مطرح می‌شد چه رقمی بود؟

هیچ وقت این ارزیابی‌ها را دقیق و درست نمی‌دانم. هیچ روشی را نیز برای تخمین این ارقام نمی‌شناسم. وقتی در اوایل دهه ۱۳۷۰، بیش از ۲۰ سال پیش در سال ۷۳ و ۷۴ در مرکز پژوهش‌های مجلس مدیر بخش بررسی‌های اقتصادی بودم، در گزارشی خواندم سهم دولت از اقتصاد ایران حدود ۸۵ درصد است. بعد از مطالعه این گزارش همه کارشناس‌ها را بسیج کردم تا منشأ این گزارش را پیدا و این سهم را محاسبه کنیم. آن موقع پس از انجام محاسبات به این جمع بندی رسیدیم که سهم دولت از اقتصاد ۸۵ درصد نیست. وقتی دنبال منبع این گزارش رفتیم، به جلسه‌ای رسیدیم که در آن معاون وزیر در ملاقات با مهمان خارجی‌اش در حال صحبت، چنین مسأله‌ای را بیان کرده بود. همین حرف تبدیل به یک کد شده و تا یک گزارش در مرکز پژوهش‌ها جلو آمده بود و تا مدتی این جمله که «وزن دولت در اقتصاد ایران ۸۵ درصد است، بر سر زبان‌ها بود.»

● فکر می‌کنید خریداری سکه، آن هم به میزان زیاد، توسط یک نهاد شبه عمومی در آن برهه تصمدی بود؟ برخی از طرفداران دولت ادعا می‌کردند این اقدام یک ضرب شست مخالفان دولت به دولت است. آیا شما هم چنین تحلیلی دارید؟

دو تلقی وجود دارد. یکی تلقی برخورد سیاسی است که من علی‌القاعده در



## بازار طلا را کنترل کردیم

گزارش و عکس مصنوعات فوق را نهادهای نظارتی به ستاد ارائه می‌کردند. به هر حال مدیریت بازار طلا خیلی ساده‌تر از مدیریت بازار ارز است. البته اگر جلوی این کارها را نمی‌گرفتیم بازار طلا نیز قابل کنترل نبود. آن طرف قضیه، بر فروش سکه‌های بانک مرکزی مالیات بر ارزش افزوده وضع کردیم، یعنی قیمت سکه بانک مرکزی برابر یا بیشتر از قیمت بازار شد.

وقتی این اتفاق افتاد دیگر دلیلی برای سفته‌بازی یعنی خرید و عرضه مجدد سکه‌های بانک مرکزی وجود نداشت. اما در بحث ارز موضوع به این سادگی‌ها نیست.